

وضعیت سیاسی منطقه در ماه های پیش رو و مسئولیت ایران

اکبر ظریفی

مسئول واحد سیاسی سازمان معلمان ایران

پس از ماجرای حملات شائبه دار هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز ماجراجویی های دهشتناک دولت دست راستی اسرائیل در غزه، آنچه که روشن تر از دیگر پیش بینی ها به نظر می رسد، طولانی شدن درگیری در غزه و حل نشدن فوری این گرفتاری در منطقه بود. پیش بینی می شد که ورود زمینی اسرائیل به غزه، گرفتاری های این دولت را شکل تازه ای خواهد داد؛ از سوئی فرصت بیشتری پیدا خواهد کرد تا از فشارهای داخلی بر روی خود کم کند اما از سوی دیگر، معلوم نبود که به سادگی بتواند، آنچه را در باره آزاد کردن گروگان ها به افکار عمومی وعده داده محقق کند.

گرفتاری ورود زمینی، دولت "جنایتکار" را وادار کرد که برای پوشش عدم موفقیت های فوری وعده داده شده، حملات موشکی هدفمند و به کار گیری نیروی هوایی کاملاً مسلح را چندین برابر کند! نتیجه این رویکرد، کشتار وحشتناک غیر نظامیان، از جمله زنان و کودکان و از بین رفتن مراکز غیر نظامی و حتی بیمارستان ها و مدارس و... بود. از سوی دیگر، باز شدن جبهه شمالی با حزب الله لبنان، وضعیت نتانیاهو و دولتش را در نزد افکار عمومی قوی تر کرد تا مردم آنجا را در معرض تهدید جدی بنمایاند و پشتیبانی های بیشتری از پشتیبانان خود در ایالات متحده و اروپا دریافت کند. در این راستا، هر چه وضعیت را با اهمیت تر جلوه می داد، توجه دوستانش را بیشتر جلب می کرد. در اینجا بهتر می بود که پای یک کشور مهمتری را به صحنه باز می کرد تا اهمیت مسئله را بین المللی تر بکند و تهدید را نیز فراگیرتر بنمایش بگذارد-ایران.

به هر حال، با ترورها و خرابکاری ها و حملات به منافع ایران در بیرون و داخل، پای ایران را به مسئله باز کردند، هر چند ایران کنترل شده تا چند ماه پیش کار را به پیش برد، ولی ناگزیر شد تا واکنش نظامی مستقیم در برابر اسرائیل داشته باشد و این یعنی بالا رفتن سطح تنش و شکل گیری سطحی از برخورد مستقیم میان این دو کشور بود.

گسترش برخورد و عملیات همه جانبه علیه لبنان به ویژه جنوب بیروت

و هدفمند شدن عملیات هوایی علیه شخصیت ها، تمایل دولت نتانیا هو را برای ایجاد شرایط رویارویی مستقیم ایالات متحده و دیگر کشورها از سوئی و جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر نشان می داد. ایالات متحده در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بود و منطق سیاسی از ورود مستقیم آن کشور به جنگ خبر نمی داد، جمهوری اسلامی هم درگیر انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری- به دنبال واقعه اسفناک سقوط هلی کوپتر ریاست جمهور وقت- بود. فرصت چند ماه "فترت" که ایجاد شد، بدترین حالت برای منطقه و بهترین فرصت برای نتانیا هو فراهم می کرد که بدون نگرانی از پاسخگویی به جایی، جنایتکارانه ترین کنشگری را پی بگیرد و نتیجه آن، اعلام جنایت جنگی علیه او و وزیر جنگش از سوی دادگاه لاهه بود، اما او بیشتر به افکار عمومی داخل می اندیشید تا نگرانی های بین المللی و مجامع وابسته...

کنشگری دولت تندرو اسرائیل، پیش بردن سیاست های قدرت های بین المللی را در منطقه به صورت نیابتی نشان می دهد. ماهیت اسرائیل با ناآرامی گره خورده است و این مهم ترین متغیری است که برای توصیف وجود این دولت در منطقه می توان در نظر گرفت. پشتیبانی های تمام عیار کشورهای قدرتمند به اسم دفاع و حمایت، نشان می دهد که گویا این دولت وظیفه پیشبرد اهداف آنها را در منطقه به عهده دارد! برخورد طلبکارانه دولت اسرائیل با آنها و دهن کجی نسبت به نهادهای بین المللی، نشان از اطمینان حداکثری از پشتیبانی نهایی قدرت ها از سیاست های آن کشور است.

مسئولیت جمهوری اسلامی

نظام جمهوری اسلامی، برای وضع تازه در منطقه آماده شده است. این آمادگی در عمل نیازمند طراحی های تازه در چشم اندازها و راهبرد هاست! بهترین فرصت برای کنشگری "همه جانبه نگر" است! ایجاد پیوند های لازم میان مسئله قفقاز شمالی و غزه و لبنان، گنجاندن مسئله انرژی در میان متغیرهای تاثیرگذار در شکل دهی مناسبات تازه اروپا، بازتعریف کیفی مناسبات با چین و گنجاندن موضوعاتی که بتواند وجه اعتمادی را میان دو کشور تقویت کند، بازتعریف مناسبات با روسیه مطابق با شرایط منطقه و جهان و... و ساختن راهبرد ها برای رسیدن به منافع ملی حداکثری از مسئولیت های جمهوری اسلامی در این برهه است.

اما در برابر آمریکا، شرایط به کلی نسبت به گذشته فرق کرده است. مسائل ذاتی میان ایران و آمریکا، که نشود به آن پرداخت وجود ندارد. بیشتر مشکلات ما با آمریکا، سیاسی است تا چیز دیگر! در این

مسائل، یک متغیر بسیار مهم و مزاحم وجود داشته است و آن هم نوع مناسبت ما با کشوری به نام اسرائیل است که ما هنوز موجودیت این کشور را به رسمیت نشناخته ایم.

تا زمانی که تناسب خارجی ما با آن کشور در وضع توصیف شده است، احتمال پیشبرد کار، بسیار دشوار است و این دشواری روی مناسبات ما با ایالات متحده و اروپایی های پشتیبان چشم و گوش بسته اسرائیل تاثیر مستقیم و مهم دارد.

به نظر می رسد، جمهوری اسلامی به وجهی از آمادگی رسیده است که متناسب با شرایط منطقه و جهان، رویکرد تازه ای به این مسئله داشته باشد و متناسب با شرایط روز، بازتعریف منافع ملی را داشته باشد. تا این بازتعریف صورت نگیرد، مناسبات با ایالات متحده نیز تاثیر بسیار اساسی از این مهم خواهد پذیرفت.

افزون بر آن، نیاز است دو کشور جمهوری اسلامی و ایالات متحده، در دوره تازه، مسائل دوجانبه را در اولویت بررسی قرار بدهند و اگر هم مسئله ای بین المللی وجود دارد، ابتدا بدون واسطه به آن پردازند و در صورت نیاز، به مشارکت دیگران رغبت نشان بدهند. بیش از چهار دهه انسداد در مناسبات، هر دو کشور را باید به یک عقلانیتی رسانده باشد که برای منافع دیگران، دست از منافع اساسی خود برندارند و آن را کنار نگذارند.

کشورهای اروپایی که درگیر مسئله اوکراین شده و با روسیه دست به یقه شده اند و این مهم روی انرژی مورد نیاز اروپا تاثیر مستقیم گذاشته و تمایل عقلانی برای عبور از این شرایط برای آنان وجود دارد، بایستی متوجه تغییر شرایط در ایران شده و خواست احتمالی ایران را برای بازی های تازه منطقه ای و بین المللی دریافت کنند، و روی انرژی ایران برای جایگزینی احتمالی یا رقابت با دیگر کشورها حساب تازه ای باز کنند و برای رسیدن به این مهم، نیاز نیست رویکرد تقابلی را انتخاب کرده و هزینه های بیشتری را برای خود و دیگران بتراشند. گفتگوهای دو جانبه و چند جانبه، تنها راه کم هزینه پیشبرد راهبردهای گوناگون اروپا و جمهوری اسلامی است، به جای اندیشیدن به "ماشه" و تقابل-که در گذشته نتایج عکس داشته است- خوبست به فکر طراحی های کم هزینه تر باشند و متوجه موقعیت و شرایط خود و دیگران در منطقه و جهان باشند! همانگونه که ایران در شرایط حساس قرار دارد، اروپا هم چنین وضعیتی را برای خودش قائل باشد.